

بررسی زیبایی‌شناسی عناصر ادبی در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه

عاطفه رحمانی* - احمد پاشا زانوس**

چکیده

بررسی‌های زیبایی‌شناسی به تحلیل متون ادبی بر اساس اصول فنی و هنری می‌پردازد و در کنار توجه به موسیقی و ساختار، متن ادبی را بر پایه چهار اصل احساس، صور خیال، اسلوب و معنوی، همچنین انتزاعی بودن آن ارزیابی می‌کند. بررسی‌های زیبایی‌شناسی اثر، قرابت بیشتری با طبیعت ادبیات و فهم اسرار آن دارند؛ زیرا از دل ادبیات برمی‌آیند و قواعد و اصول خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. در این مقاله، که سعی در بررسی عناصر ادبی خطبه مذکور دارد، به مواردی همچون اندیشه امام علی (ع)، شیوه بیان مضامین، عاطفه امیرالمؤمنین و تنوع آن، تصویرپردازی و مواردی از قبیل الفاظ، عبارات و موسیقی می‌پردازیم. ویژگی‌های بارز خطبه مذکور داشتن بیان روان، قدرت و پویایی عاطفه است که دلیل آن برخورداری از مؤلفه صدق عاطفه و عمق در معناست که به علت داشتن صور خیال، اسلوبی منسجم، همگونی موسیقی و ریتم کلام بامعنا و عاطفه، همچنین هماهنگی گزینش واژگان با آوا و ساختار جملات، فصاحت واژگان، تناسب الفاظ بامعنا و هماهنگی و سنخیت هر چهار عنصر ادبی با هم هستیم.

کلیدواژه: امام علی (ع)، نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، زیبایی‌شناسی، عناصر ادبی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب (نویسنده مسئول) atefh.27aban.rahmani@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۲۴

زیبایی و زیبایی‌شناسی با عناوین مختلف از زمان سقراط و حتی قبل از آن نزد فیلسوفان هندی و چینی مورد بحث بوده است و از آنجایی که درخصوص این واژه هنوز تعریف جامع و پذیرفته‌ای ارائه نشده است، پس اهل فن تعاریف متعددی از این واژه بیان کرده‌اند. در میان فیلسوفان قدیم یونان، مفهوم زیبایی از نظر افلاطون مترادف است با مفاهیم منظم و هماهنگ، کار هنری، آفرینش نظم و قاعده خاص (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۷).

گفتنی است، بسیاری از نظریه‌های زیبایی‌شناسی تابع ذوق و سلیقه است و چون سلیقه‌های افراد با هم تفاوت دارد و ذوق هم تابع قواعد مشخصی نیست، ارزیابی اثری ادبی از منظر زیبایی به منزله چیزی نیست که قابل اندازه‌گیری باشد و بتوان آن را با معیار خاصی سنجید؛ اما می‌توانیم هر عنصری را در اثر ادبی فقط به این عنوان که آیا توانسته اثر ادبی را در رسیدن به هدف اصلی‌اش کمک کند، ارزیابی کنیم. همچنین می‌توانیم درباره کل اثر ادبی از این نظر که آیا این عناصر دست‌به‌دست هم داده‌اند که مجموعه‌ای کامل را تشکیل دهند یا نه قضاوت کنیم (پرین، ۱۳۷۳: ۱۰۳)؛ بنابراین می‌توان گفت زیبایی اثر ادبی حاصل از زیبایی واحدهای ساختاری آن اعم از واحدهای ساختاری درونی (معنا و عاطفه) و بیرونی (زیبایی در تخیل، اسلوب و زیبایی حاصل از وحدت و هماهنگی) است.

۱-۱. زیبایی در معنا

این زیبایی در صورتی حاصل می‌شود که ادیب با ایجاد نشانه‌های زبانی، معنا را دگرگون کند و به تعبیر هوسرل، فیلسوف آلمانی و بنیان‌گذار فلسفه پدیدارشناسی، معنا خود تبدیل به نشانه زبانی می‌شود که در حوزه زیبایی‌شناسی می‌گنجد؛ یعنی معنا در اثر ادبی بی‌آنکه از زبان جدا باشد، ممکن است کارکردی زیبایی‌شناسی داشته باشد و نشانه‌های زبانی خواننده را در رسیدن به نشانه‌های معنایی هدایت کند (فلکی، ۱۳۸۰: ۱۸).

۲-۱. زیبایی در عاطفه

عاطفه در اثر ادبی هویدا و آشکار نیست و اغلب به صورت اشاره و به کمک لفظ و ریتم وجود خود را نمایان می‌کند (غریب، ۱۳۷۸: ۱۲۱). یکی از مهم‌ترین معیارهای زیبایی عاطفه، صداقت ادیب در بیان احساسات است.

۳-۱. زیبایی در تخیل

از آنجایی که خیال، عنصر اصلی آثار ادبی در همه تعاریف قدیم و جدید است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۶: ۳) و ممکن است از مضمون تصاویر مختلفی ساخته شود، پس تصاویر به شرطی زیبایی‌آفرین هستند که ساختار آن‌ها تکراری نباشد و با فضایی که در آن شکل می‌گیرد هماهنگ باشد.

۴-۱. زیبایی در اسلوب

این بخش به سه قسمت آوایی یا موسیقایی، واژگانی و نحوی تقسیم می‌شود. زیبایی ناشی از سطح موسیقایی اثر ادبی، آن‌چنان در ایجاد ساختار نهایی آن اهمیت دارد که گفته شده است: «همه تعریف‌های اثر ادبی در تحلیل نهایی بازگشتشان به این تعریف خواهد بود: اثر ادبی تجلی موسیقایی زبان است». (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۸۹).

گفتنی است، واژه‌ها زمانی زیبا هستند که با سایر ارکان ادبی هماهنگ باشند. به اعتقاد الیوت^۱، منتقد آمریکایی - انگلیسی «کلمه خوب و بد در اثر ادبی وجود ندارد. این جای کلمات است که امکان دارد خوب یا بد باشد؛ یعنی این در ترکیب و نسج یا نظام اثر ادبی است که کلمات، خود را نازیبا نشان می‌دهند و گرنه همان الفاظ نازیبا اگر به جای خود نشستند باشند و در نظام شایسته اثر ادبی، زیباترین جلوه‌ها را خواهند داشت» (همان: ۲۷۲).

باید توجه داشت، زیبایی نحوی در صورتی حاصل می‌شود که مفهوم کلی از طریق ترکیب کلمات به بهترین وجه بیان شود (پرین، ۱۳۷۳: ۱۰۳). افزون بر این، منظور از زیبایی حاصل از وحدت و هماهنگی این است که ادیب در معنایی سخن

¹-Tomas stearns Eliot



بگوید و در همان حال به شرح و تفسیر معنایی دیگر بپردازد و کلام اول را ابزار پرداختن به موضوع بعدی قرار دهد؛ به گونه‌ای که اجزای کلام - بدون هیچ‌گونه افتراق - به هم پیوند داشته باشند که این مقوله به مهارت ادیب و قدرت وی بستگی دارد (ابن‌ال‌اَثیر الجرجزی، ۱۳۱۲: ۲۶۸).

در این مقاله بحث از امیر بی‌بدیل وادی فصاحت و بلاغت امام علی (ع) است تا جایی که خود ایشان در خطبه ۲۲۴ نهج‌البلاغه می‌فرمایند «و اَنَا الْأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَ فِينَا عُرْقُهُ وَ عَلَيْنَا تَهْدُلتُ غُصُونُهُ...»؛ (ما فرمانروایان سخنییم و رگ و ریشه آن در میان ما استوار و شاخه‌هایش بر ما سایه افکنده است).

از آنجایی که بلاغت عبارت است از موافقت کلام با مقتضای حال، پس ملاحظه می‌شود که نهج‌البلاغه از بلیغ‌ترین کتاب‌ها به‌شمار می‌آید. درباره زیبایی عبارات نهج‌البلاغه نیز از حیث تراکیب لفظی و سبک ادبی می‌توان به مواردی همچون کاربرد مجازها و کنایات در قالب‌های نوین و بدیع و نوآوری‌های لفظی شامل جناس، ترصیع، قلب، عکس و ... اشاره کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که نهج‌البلاغه شاهکاری ادبی و مشحون از زیورهای کلامی، به‌ویژه صنعت سجع است که در سرتاسر آن مشهود است.

شایان ذکر است، برخی از آثار ادبی از نظر زیبایی‌های لفظی برجسته هستند و از حیث مضامین بی‌ارزش‌اند؛ اما نهج‌البلاغه ضمن برخورداری از فصاحت و بلاغت بی‌نظیرش، از حیث محتوا نیز گوی سبقت را از سایر آثار ادبی ربوده است؛ زیرا امام علی (ع) از دوران کودکی در دامان رسول خدا (ص) پرورش یافته و این عامل در آوردن سخنان پر مغز و محتوا تأثیر بسزایی داشته است.

گفتنی است، نهج‌البلاغه از نظر زیبایی در صور خیال نیز گنجینه‌ای است از صنایع ادبی که دور از هر گونه تکلفی و تصنعی به‌کاررفته، به سخنان امیرالمؤمنین علی (ع) جلوه زیبایی بخشیده‌اند.

۱-۵. طرح سؤال‌های اصلی تحقیق

در این پژوهش نگارندگان برآنند با روش تحلیلی - توصیفی به سوالات ذیل پاسخ دهند:



الف) در خطبه مذکور طریقه به اثبات رساندن صحت و درستی در معنا، گستردگی و عمق در معنا چگونه است؟

ب) چگونه می‌توان قدرت و پویایی عاطفه، ثبات، استمرار و تنوع آن را به اثبات رساند؟

ج) با چه شیوه‌ای می‌توان نشان داد تصاویر به کار گرفته‌شده در خطبه مذکور متحرک هستند و بین معنا و تصاویر به‌کاررفته سنخیت وجود دارد؟

د) چگونه می‌توان تناسب و هماهنگی عناصر ادبی را با هم اثبات کرد؟

۱-۳. پیشینه تحقیق

کتاب پر بار نهج‌البلاغه از منظرهای متعددی کنکاش و بررسی شده است که بخش کثیری از آن‌ها با هدف فهم مفاهیم اخلاقی، توحیدی و دینی نهج‌البلاغه است که به گوشه‌هایی از این آثار اشاره می‌کنیم:

۱. قائمی، مرتضی (۱۳۸۸)، سیری در زیبایی‌های نهج‌البلاغه، چاپ اول، قم: ذوی‌القربی.

۲. خاقانی، محمد (۱۳۷۶)، جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

۳. جرداق، جرج (۱۳۵۵)، شگفتی‌های نهج‌البلاغه، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران: بعثت. در این آثار به‌صورت گذری و جزئی تنها به بخش اندکی از زیبایی‌ها اشاره شده است؛ بدون اینکه ارتباط عناصر ادبی تحلیل و بررسی شود.

۴. حق‌جو، سیاوش (۱۳۷۹)، بررسی تشبیه و استعاره در نهج‌البلاغه، استاد راهنما: دکتر جلیل تجلیل: دانشگاه تهران

۵. طاعتی غفور، مصطفی (۱۳۸۰)، بررسی موسیقی خطبه‌های نهج‌البلاغه، استاد راهنما: دکتر مرتضی قائمی: دانشگاه بوعلی سینا همدان.

در این پایان‌نامه فقط به بررسی آوایی، به‌عنوان یکی از سطوح سبک‌شناسی پرداخته شده است و ...

۲. بررسی عناصر ادبی در خطبه ۲۲۴

نگارنده نیز در پژوهش حاضر تنها به بررسی جنبه تصویرپردازی پرداخته، ارتباط عناصر ادبی را ارزیابی نکرده است. باید توجه داشت وجه افتراقی موضوع مقاله با این

آثار، این است که چهار عنصر زیبایی‌شناسی (معنا، عاطفه، صور خیال و اسلوب) را در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌کند.

بعد از جریان جمل و نهروان، پیشنهادی به حضرت علی (ع) دادند مبنی بر اینکه اندکی با آن‌ها کنار بیایید و مقداری از اموال بیت‌المال را بدهید تا راضی باشند. بعد از اینکه حضرت این پیشنهاد را شنید، شروع به ایراد این خطبه نورانی کرد. پیشنهاددهندگان، بزرگان اصحاب حضرت بودند. حضرت در طلوعه فرمود که شما می‌خواهید من بگویم هدف وسیله را توجیه می‌کند؛ اما این چنین نیست. مقصد صحیح، راه مستقیم می‌خواهد.

۲-۱. معنا

منظور از معنا، اندیشه‌ها، مضامین و مفاهیمی است که ادبا آن را بیان می‌کنند (التونجی، ۱۹۹۳: ج ۲: ۸۱۰). در ادامه به بررسی مضمون خطبه مذکور و معیارهای سنجش معنا می‌پردازیم.

مضامین این خطبه اخلاقی و دینی است که در توصیف درخواست عقیل و طریقه برخورد امیر بیان در قبال این درخواست و ... آمده که در خصوص محتوای این خطبه در بخش عاطفه (انواع عاطفه) و اسلوب (سطح نحوی) سخن به میان خواهد آمد.

۲-۱-۱. معیارهای سنجش معنا

• **گستره و عمق:** این بینش به کمک عواطف و احساسات ادیب پرورده می‌شود؛ البته وی این مفاهیم را به صورت متنی خشک و غیر لطیف به مخاطب عرضه نمی‌کند؛ بلکه آن را در میان پوششی زیبا از صنایع ادبی قرار می‌دهد. گفتنی است، عنصر فکر، عاطفه و خیال هنگامی که با صنایع ادبی و عناصر لفظی به منصفه ظهور نرسند، مفاهیمی خشک، ذهنی و ادراکی هستند (ابوحاقه، ۱۹۹۶: ۲۸۲). باید توجه داشت که این خطبه از معیار گستردگی و عمق در معنا برخوردار است؛ زیرا امیرالمؤمنین (ع) با هدف مجذوب کردن بیشتر خواننده به مضامین خطبه و خارج کردن متن از حالت خشک و بی‌روح، این معانی و مفاهیم را به عناصری همچون «عاطفه، تصویر، موزون کردن کلام از طریق کاربرد سجع با هدف گوش‌نواز بودن، اسلوبی زیبا و ...» مزین کرده‌اند.



• **وضوح ابهام:** ابهام هنری گستره‌ای از احتمالات معنایی است نه دشواری‌های غیر قابل فهم در متن. در این خطبه به دلیل کاربرد عناصر تصویرساز، که به بالا بردن ارزش ادبی کلام و بلاغت آن منجر شده، ابهام وجود دارد؛ البته ابهامی که به قصد زیبایی‌شناسی صورت گرفته نه تعقید. در این بین، بحث تفصیلی از عناصر تصویرپردازی را به بخش تصویرپردازی موکول می‌کنیم.

۲-۲. عاطفه

عاطفه حالاتی چون اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب، خشم، ترس، طرب، رغبت و ... است که حادثه یا هر عامل دیگری در ذهن ادیب ایجاد می‌کند و می‌کوشد که این حالت‌ها و تأثیرات ناشی از آن‌ها را آن‌چنانکه خود احساس کرده به دیگران نیز منتقل کند، از سوی دیگر، این عنصر به ادب و ادبیات، صفت جاودانگی می‌بخشد (الخفاجی، ۱۹۹۵: ۴۴). در ادامه به بررسی انواع عاطفه و رابطه آن با معنا و نیز معیارهای سنجش عاطفه می‌پردازیم.

• **نوع عاطفه:** در این خطبه با توجه به محتوا، شاهد عواطفی همچون فخر، هجو و ترس هستیم که در ذیل با ذکر نمونه بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

- عاطفه فخر

وَاللَّهِ لَإِنْ أُبَيَّتْ عَلَيَّ حَسَكُ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا وَ أَجْرٌ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى
اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لِشَيْءٍ مِنْ الْأَحْطَامِ وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا
لِنَفْسٍ يَسْرِعُ إِلَى الْبَلِيِّ قُفُولُهَا وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟!

در بند مذکور مفاهیمی مانند زیر شکنجه بودن امام در سخت‌ترین شرایط و در عین حال رعایت عدل و عدالت در قبال اموال عمومی دلالت بر عاطفه فخر است.

وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكُهَا عَلَيَّ أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلَبُهَا جُلْبَ
شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ، وَإِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ
يَفْتِي، وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى! نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ، وَ قُبْحِ الزَّلْلِ، وَ بِهِ نَسْتَعِينُ



در عبارت فوق، مضامینی همچون بخشیدن هفت اقلیم آسمان به امام تا وی خدا را نافرمانی کند، آمده است؛ اما امیرالمؤمنین تحت هیچ شرایطی زیر بار دنیای حرام و زیبایی‌های آن نمی‌رود که این امر بیانگر عاطفه فخر است.

– عاطفه هجو

وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُ عَقِيلًا وَقَدْ أَمَلَقَ حَتَّى اسْتَمَاحَنِي مِنْ بُرْكَمٍ صَاعًا وَرَأَيْتُ صَبِيَانَهُ شُعْثَ الشُّعُورِ
عُبْرَ الْأَلْوَانِ مِنْ فَقْرِهِمْ، كَأَنَّمَا سُودَتْ وُجُوهُهُمْ بِالْعَظِيمِ، وَ عَاوَدَنِي مُوَكِّدًا، وَ كَرَّرَ عَلَيَّ الْقَوْلَ
مُرْدَّدًا، فَأَصْنَعْتُ إِلَيْهِ سَمْعِي فَظَنَّ أَنِّي أْبِيعُهُ دِينِي وَ أَتَّبِعُ قِيَادَهُ مُفَارِقًا طَرِيقِي

در این عبارت، درخواست عقیل از امام علی (ع) برای دریافت بیت‌المال بیانگر عاطفه هجو است.

وَ أَعْجَبَ مِنْ ذَلِكَ طَارِقٌ طَرَفَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا، وَ مَعْجُونَةٍ شَسَيْتُهَا، كَأَنَّمَا عَجِنَتْ بِرِيقِ حَيَّةٍ
أَوْ قَيْبِهَا، فَقُلْتُ: أَمْ صِلَةٌ أَمْ زَكَاةٌ أَمْ صَدَقَةٌ؟ فَذَلِكَ مُحَرَّمٌ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَقَالَ: لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ،
وَ لَكِنَّهَا هَدِيَّةٌ، فَقُلْتُ: هَيْلَتِكَ الْهَيْبُولُ، أَمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتَخْدَعَنِي؟ أَمْ مُخْتَبِطٌ أَمْ ذُو جِنَّةٍ أَمْ
تَهْجُرٌ؟

در این بند بیان هدیه آوردن شخصی برای امام علی (ع) تا در دادگاه به نفع وی حکم شود، مبین عاطفه هجو است.

– عاطفه ترس

فَأَحْمَيْتُ لَهُ حَدِيدَةً، ثُمَّ أَذَيْتُهَا مِنْ جِسْمِهِ لِيَعْتَبِرَ بِهَا، فَصَجَّ صَجِيحَ ذِي دَنْفٍ مِنَ الْهَمَاهِ، وَ كَادَ
أَنْ يَحْتَرِقَ مِنْ مَيْسَمِهَا، فَقُلْتُ لَهُ: تَكَلَّتْكَ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ، أَتَيْتَنِي مِنْ حَدِيدَةٍ أَحْمَاهَا إِنْسَانُهَا
لِلْعَيْبِ، وَ تَجَرَّنِي إِلَى نَارِ سَجْرَها جَبَارُها لِعُضْبِهِ! أَتَيْتَنِي مِنَ الْأَذَى وَ لَا أَتِيَنَّ مِنَ لَطْفِي؟!

در عبارت فوق، مقایسه حرارت آهن با آتش سوزان جهنم نشان از عاطفه ترس است.

۲-۱-۲. معیارهای سنجش عاطفه

• **صدق و کذب عاطفه** که نشان می‌دهد این عاطفه تحت تأثیر عوامل و شرایط صحیح، قابل باور، طبیعی بودن و غیر ساختگی بودن آن مشخص می‌شود و



تکلف، تصنع، اغراق، غلو و تناقض‌گویی نشانه غیر واقعی بودن آن است (عتیق، ۱۷۲۳: ۱۰۸).

در خطبه فوق صدق عاطفه به عینه مشهود است؛ زیرا مفاهیم و مضامین خطبه از هرگونه تصنع و تناقض‌گویی تهی می‌باشد. در این میان، عواملی همچون شخصیت والا و بی‌بدیل مولی‌الموحدین، علم و آگاهی ایشان به مضامین خطبه و همچنین اعتقاد راسخ به مفاهیم خطبه - که حیات عملی ایشان دال بر ایمان و باور قلبی ایشان به محتوای خطبه مذکور است - بیان می‌کند که برانگیختگی عاطفه در وجود ایشان صادقانه بوده است.

• **قدرت و پویایی عاطفه:** قدرت عاطفه و احساس به طبع و ذوق ادیب وابسته است؛ یعنی نویسنده و شاعر باید از آن چیزی که می‌نگارد یا می‌سراید فهم و درک عمیقی داشته باشد؛ در غیر این صورت امکان ندارد بر احساسات و عواطف خواننده اثرگذار باشد (امین، ۱۹۸۷: ۳۱).

در این خطبه، امام علی (ع) برای جلب نظر شنونده و اقناع وی، از قدرت عاطفه و احساس سود جسته است. در این بین، عواملی مانند بهره‌گیری از هنر تصویرسازی با هدف تأثیرپذیری مخاطب از ایده، صدق عاطفه، کاربرد اسلوب زیبا، استعمال جملات پر مغز، ریتم موزون کلام و ... در قدرت و پویایی عواطف موجود در این خطبه و در برانگیختگی عواطف نقش بسزایی دارد.

• **ثبات و استمرار عاطفه:** برخی از آثار ادبی تأثیری مقطعی و آنی دارند و برخی دیگر تا سال‌ها در ذهن منعکس می‌شوند. در این میان، عاطفه ادبی موفق اثرش تا مدت‌ها در جان و روان مخاطب باقی می‌ماند (المقدسی، ۱۹۸۱: ۲۱).

از آنجایی که عاطفه موجود از آغاز تا پایان این خطبه به شکل مؤثر حضور دارد؛ میزان تأثیرگذاری عاطفه درون خواننده ابدی است؛ زیرا مضامین، مفاهیم و تصاویر آفریده‌شده (رعایت عدل و مساوات و...) به‌گونه‌ای است که در جهان آفرینش به‌صورت مستمر تداوم دارد و فقط به دوره و مکان خاصی مربوط نیست؛ از این رو همین عامل در ثبات و استمرار عاطفه تأثیرگذار است.

گفتنی است، ثبات و استمرار عاطفه در این خطبه به میزان اعتقادات مخاطبان بستگی دارد. عده‌ای که تصاویر آفریده‌شده در این خطبه را با هدف عبرت‌گیری و تأمل بنگرند، عاطفه آن‌ها به صورت مستمر و دائمی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این خطبه با انتقال عاطفه‌ای به عاطفه دیگر، می‌توان به نوعی پیوستگی و وحدت رویه را مشاهده کرد و انتقال احساسی به احساس دیگر ناگهانی نیست.

• **تنوع عاطفه:** ادیب باید در حوزه‌های متنوع عاطفه مستعد باشد تا بتواند در موقعیت‌های متفاوت و انتقال حسی به حس دیگر حق کلام را ادا کند (صابری، ۱۳۸۵: ۷۲). در این خطبه امام علی (ع) از تنوع تجربه عاطفی برخوردار است؛ زیرا در خطبه مذکور شخصیت‌های متفاوت (امام: فخر، برخورد عقیل و مردی که هدیه برای امام آورده بود به طرفداری امام در دادگاه از وی: هجو، آتش دوزخ: ترس.) به تصویر کشیده شده‌اند. این تنوع عاطفه، به امام علی (ع) این امکان را داده است زمانی که از عاطفه‌ای به عاطفه دیگر منتقل می‌شود، حق مطلب را ادا کند. کاربرد عواطف و احساسات متنوع در این خطبه نیز با توجه به نوع کلام بیانگر این است که امیرالمؤمنین در حوزه‌های متنوع عاطفه مستعد بوده‌اند.

۲-۳. تصویرپردازی

تصویر مجموعه‌ای زبانی مشتمل بر الفاظ، معانی عقلی، عاطفه و خیال (البطل، ۱۹۸۳: ۳۰) و منبعی بیرونی است که ادیب از آن برای اذعان کردن انفعالات و حالات درونی خود بهره می‌گیرد (الرباعی، ۱۹۷۴: ۱۴). در ادامه به بررسی صور اصلی خیال یعنی تشبیه، استعاره، مجاز و روابط عناصر تصویرپردازی با سایر عناصر ادبی می‌پردازیم.

۲-۳-۱. تشبیه

تشبیه در لغت به معنای تمثیل و همانند کردن چیزی به چیز دیگر است و در اصطلاح «ایجاد پیوند میان دو امر یا بیشتر، در یک یا چند صفت با ادات مخصوص و به منظور تحقق غرضی که در ذهن متکلم، شکل گرفته است» (الهاشمی، ۱۳۷۰: ۲۴۵). در ادامه به ذکر مواردی از این صنعت تصویرساز اشاره می‌کنیم:



مَعْجُونَةٌ شَتَّتْهَا، كَأَنَّمَا عُجِنَتْ بِرِيقِ حَيَّةٍ أُوقِيَتْهَا

تشبیه معجون موجود در ظرف به آب دهان مار سمی یا قی کرده آن از نظر مخلوط شدن (تشبیه مؤکد مفصل).

إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا

تشبیه دنیا به برگ جویده شده ملخ از نظر پستی (تشبیه مؤکد مفصل). باید توجه داشت، وجود تشبیه مؤکد مفصل و بارز کردن وجه شبه در این خطبه دال بر وجود تشبیه نو و بکری است که امام علی (ع) با هدف درک و فهم معنای جمله از این تشبیه استفاده کرده‌اند که این نکته ناشی از هماهنگی تصویر بامعناست.

۲-۳-۲. استعاره

احمد هاشمی در کتاب «جواهر البلاغة» درباره استعاره می‌گوید: «استعاره در لغت از ریشه استعار المال (از او خواست که مال را به او امانت دهد) گرفته شده است و در اصطلاح علم بیان یعنی به‌کار بردن لفظ در غیر معنی حقیقی خود به‌دلیل علاقه مشابهتی که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد» (هاشمی، ۱۳۷۰: ۲۹۸). در ادامه به ذکر مواردی از این عنصر اشاره می‌کنیم:

فَظَنَ أَنِّي أَيْبَعُهُ دِينِي

تشبیه دین به کالا از نظر فروختن (استعاره مکنیه از نوع تجسیم).

أَنْ أُغْصِي اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ

تشبیه امام به انسان ظالم که پوست جوی را از دهان مورچه بگیرد (استعاره مکنیه از نوع تشخیص، منبع تصویر: انسان).

نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ

تشبیه عقل به انسان خواب‌آلود از نظر خوابیدن (استعاره مکنیه از نوع تشخیص، منبع تصویر: انسان).



گفتنی است، حجم بالای استعاره مکنیه به منظور کاربرد وسیع اعمال و صفات انسانی است و استعمال تشخیص و تجسیم نشان‌دهنده تحرک و پویایی متن خطبه است و استعمال اعمال انسانی، به‌عنوان یکی از منابع تصویرساز، بیانگر تناسب مضمون خطبه «رعایت عدالت و حقوق مردم» به‌عنوان یکی از صفات انسانی با تصویر است؛ زیرا خطبه حول موضوع و محتوای عدل و مساوات، که موضوع انسانی است، می‌چرخد و منابع تصویرساز نیز حول محور اعمال انسانی است.

۲-۴. تصاویر مجازی در خطبه

کاربرد مجاز در این خطبه به بالا بردن ارزش بلاغی و ادبی متن منجر شده که در ذیل به ذکر مواردی از این عنصر اشاره می‌کنیم:

قَدْ أَمْلَقَ حَتَّى اسْتَمَاحَتِي مِنْ بُرْكَمُ صَاعًا: کم در بر مجاز از اموال عمومی.
فَأَصْنَعْتُ إِلَيْهِ سَمِيًّا: منظور از هـ در إليه مجاز از سخنان.
تَجْرُبِي إِلَي نَارٍ: نار مجاز از جهنم.
سَجَرَهَا جَبَارُهَا لِعُضْبِهِ: جبار مجاز از خداوند.

۲-۵. اسلوب

همه متون اعم از ادبی یا غیرادبی، روش و طریقه منحصر به فردی در بیان دارند که آن را عنصر اسلوب، سبک یا تعبیر می‌نامند. اسلوب به شیوه بیان نشان می‌دهد که ادیب از طریق این عنصر افکار، احساسات و تخیلات خود را در قالب واژگان و تراکیب می‌ریزد و قدرت نویسندگی یا شاعری وی به منصفه ظهور می‌رسد (ابوحاقه، ۱۹۹۶: ۳۰۲ و ۳۰۱). در ادامه به بررسی سطوح سبک‌شناسی خطبه مذکور در سه سطح آوایی، واژگانی، نحوی و ارتباط سطوح مذکور با سایر عناصر ادبی می‌پردازیم.

۲-۵-۱. متدهای بررسی سبک‌شناختی متون

توصیف عناصر سبک‌شناسی در سه سطح انجام می‌شود:

الف) سطح آوایی



به سطح آوایی می‌توان سطح موسیقایی متن نیز گفت. ناقدان ادبیات عرب موسیقی را یکی از مؤلفه‌های بررسی شعر در نقد ساختارگرا تلقی می‌کنند و عنصر موسیقی شعر را از نثر متمایز می‌کند (مفتاح، ۱۹۹۲: ۱۳۰).

• **موسیقی درونی:** در ذیل به نمونه‌هایی از موسیقی درونی در این خطبه اشاره می‌کنیم:

– **سجع:** به‌عنوان یکی از ارکان موسیقی درونی نقش اساسی در آوا و ریتم کلام دارد؛ مثلاً در عبارت «وَ اللَّهُ لَأَنَّ أَبَيْتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهِّدًا، وَ أَجْرٌ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفِّدًا» بین السعدان و الأغلال سجع متوازن و بین مسهداً و مصفداً سجع متوازی است.

گفتنی است، در این خطبه به‌منظور قرینه‌سازی در واژه‌های مسجع، بحث زیبایی‌سازی سجع محقق شده است و وجود واژه‌های سجع‌دار سبب بیگانه‌سازی و غرابت سخن می‌شوند؛ از این رو برجستگی خاصی به کلام خطبه به‌ویژه به واژه‌های سجع‌دار می‌بخشد، که غالباً کلمات کلیدی هستند و معنای خطبه حول محور این کلمات می‌چرخد؛ پس این نکته بیانگر تناسب سطح آوایی به‌عنوان یکی از سطوح اسلوب بامعناست.

– **ترصیع:** در عبارت «يَسْرِعُ إِلَى الْبَلْبَلِ قُفُولُهَا، وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟!» کلمه‌های البلی و قفولها با معادل خود در جمله بعدی یعنی الثری و حلولها سجع متوازی دارند.

– **مزدوج:** به دلیل کثرت این آرایه در خطبه مذکور، در ذیل به نمونه‌ای از این آرایه اشاره می‌کنیم.

طَرَقْنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا، وَ مَعْجُونَةٍ شَنِتَّتِهَا

که به ترتیب میان بملفوفة، معجونة و بین وعائها، شنتتها سجع وجود دارد و از مجموع آن دو صنعت مزدوج پدید آمده است.

- **واج آرای:** در خطبه مذکور طنین بین حروف و واژه‌ها افزون بر جنبه موسیقایی، رابطه طبیعی با مضامین خطبه دارند که در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

فَذَلِكُمْ مُحَرَّمٌ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَقَالَ: لَا ذَا وَلَا ذَاكَ، وَ لَكُنَّهَا هَدِيَّةٌ، فَقُلْتُ: هَيْلَتُكَ الْهَيْبُولُ، أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتَخْدَعَنِي؟ أَمْ مُحْتَبَطٌ أَمْ دُوْ جَنَّةٍ أَمْ تَهْجُرُ؟

بسامد بالای حروف ح، خ و ج، که دال بر معنای خشم هستند، با عاطفه هجو موجود در این بند هم‌خوانی دارند.

- **اشتقاق:** در این خطبه با آوردن کلمات متجانس بر زیبایی لفظی افزوده شده که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم.

فَصَجَّ ضَجِيجٌ ذِي دَنْفٍ مِنَ الْأَمْهَاءِ

بین ضج و ضجیح.

تَكَلَّتْكَ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ

بین ثکلت و الثواکل.

• **موسیقی معنوی:** در ذیل به نمونه‌هایی از موسیقی معنوی در این خطبه اشاره می‌کنیم:

- **مراعات نظیر:** در اصطلاح زبان‌شناسی جدید جزء انسجام واژگانی است. در بخش‌هایی از این خطبه نیز واژه‌هایی آمده که با هم تناسب معنایی دارند؛ البته بین واژه‌ها افزون بر تناسب در معنا، زیبایی نیز جلوه‌گری می‌کند که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم:

رَأَيْتُ صَيِّبَانَهُ شُعْتَ الشُّعُورِ غُبْرَ الْأَلْوَانِ مِنْ فَقْرِهِمْ

بین شعت الشعور و غیر الألوان به دلیل اینکه بیانگر حالات فرزندان عقیل هستند، تناسب معنایی وجود دارد. از آنجایی که مفهوم عبارت مذکور درخواست عقیل از امام علی (ع) برای تن دادن به درخواست اوست، آوردن این واژه‌ها حالت مصداقی دارد؛ بنابراین افزون بر تناسب معنایی، زیبایی هم بین واژگان وجود دارد.



- **جمع:** بهره‌گیری از آرایه جمع در این خطبه، جنبه عاطفی و هنری دارد نه خبری و تصنعی؛ زیرا با هدف برانگیختگی عاطفه به‌کار گرفته شده که در ذیل به ذکر این آرایه اشاره می‌کنیم:

نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الرَّكْلِ

در این عبارت خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها تحت یک حکم یعنی پناه بردن آمده است.

ب) سطح واژگانی

واژه فقط بیان مفهومی پیش‌پاافتاده نیست؛ بلکه در متن ادبی باید متوجه مفهوم خیال‌انگیز و مجازی کلمه و آهنگ آن شد. در ذیل به بررسی سطح واژگانی در خطبه مذکور می‌پردازیم:

عوامل تأثیرگذار در گزینش واژگان این خطبه

- ریتم و آوای واژه و کلام در انتخاب واژگان نقش بسزایی دارد. روشن است که سجع موجود بین کلمات، که در سطح آوایی بدان پرداخته شد، در گزینش واژگان تأثیر دارد.

- پارامتر دیگری که در انتخاب واژگان تأثیر دارد، ساختار واژه است؛ یعنی انتخاب واژگان در این خطبه به‌گونه‌ای بوده که وقتی با هم، هم‌نشین می‌شوند معنای مورد نظر را، که برخورد عادلانه امام در هر شرایطی است، منعکس می‌کند.

- مضامین موجود در ذهن و افکار امام علی (ع) که هجو عقیل و ... بوده در انتخاب واژگان مؤثر است؛ زیرا سبب شده که با ترکیب واژگان، چنین مضامینی در اذهان تداعی شود.

• **آشنایی زدایی انزیاح:** امام علی (ع) از چارچوب و قوانین زبان معیار فراتر رفته و اسالیب و جملات تازه و لطیف ساخته است تا احساسات، عواطف و دل‌مشغولی‌های دینی خود را با هدف اشاعه آموزه‌های دینی، برخورد عادلانه و ...



بیان کند. در خطبه مذکور نیز ایشان با استفاده از استعاره و مجاز به آشنازدایی روی آورده‌اند که در بخش تصویرپردازی بدان‌ها اشاره شد.

● **تأکید:** امیرالمؤمنین (ع) هرگاه احساس می‌کردند ممکن است خواننده در درک مبحثی با مشکلی مواجه شود یا حتی مطالب یا وقایعی را انکار کند، به صورت ارادی یا غیرارادی به تأکید لفظی می‌پرداختند. استفاده از ادوات تأکید در عبارات «أَنْتَ أَيْبُهُ دِينِي»، «إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا» و ... به تأکید در معنای عبارات منجر شده است.

● **نوآوری در گزینش واژگان:** امام علی (ع) هنگامی که واژه‌ای را برمی‌گزیدند، هدفشان زیبایی لفظی کلمه نبود؛ بلکه منعکس شدن مفهوم موردنظر ایشان بوده است که در سطح آوایی بدان پرداخته شد. همچنین استعمال متناسب سجع و تناسب کلمات بامعنا و ... در این خطبه به‌گونه‌ای بوده که زبان ادبای دیگر از آوردن چنین واژگانی ناتوان بوده است.

● **فصاحت واژگان:** در این خطبه گزینش واژگانی که حرکات خفیفی دارند، سبب فصاحت واژگان شده است؛ البته مقصود این نیست که بهره‌گیری از کلماتی که مثلاً حرکت سنگین ضمه دارند، موجب دشواری واژگان می‌شود. در ادامه هم به نمونه‌هایی از واژگانی که حرکات ضمه دارند، اشاره شده است. باوجود تکرار این حرکت بر روی حرف بعدی نه‌تنها فصاحت کلمه از بین نرفته، بلکه بر زیبایی واژگان افزوده شده و از همه مهتر در خدمت معنا قرار گرفته است؛ واژگانی مانند «قُفُولُهَا، حُلُولُهَا» در عبارت «وَكَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسِي يَسْرِعُ إِلَيَّ الْقَوْلُهَا، وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟!».

شایان ذکر است، گزینش واژگان در این خطبه با مضمون و نوع عواطف موجود در خطبه، آوا و ساختار جملات متناسب است.

ج) سطح نحوی

در این سطح پیوند واژه‌ها با یکدیگر در محور هم‌نشینی نقد، بررسی و به ارتباط واژه‌ها با یکدیگر در سطح دستوری و نحوی پرداخته می‌شود.



• **ساختار جملات:** امام علی (ع) در انتخاب جملات خود از حیث فعلیه یا اسمیه بودن دقت زیادی نشان می‌دهند تا هر ساختاری متناسب با مضمون مورد نظر آن باشد. ایشان در توصیف دنیا از جملات اسمیه استفاده می‌کنند؛ زیرا آن را با صفاتی توصیف می‌کنند که جزء صفات ثبوتی دنیاست و قابل تفکیک از دنیا نیست؛ مانند:

وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَتْ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهُ فِي نَمَلَةٍ أُسْلِبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ، وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَى، وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى! نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ، وَ قُبْحِ الزَّلَلِ، وَ بِهِ نَسْتَعِينُ.

که نشان می‌دهد کاربرد این اوصاف با جملات اسمیه هم‌خوانی دارد. در عبارت فوق در جمله «وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَتْ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهُ فِي نَمَلَةٍ أُسْلِبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ» امیرالمؤمنین ابتدا از جملات فعلیه استفاده می‌کنند که بر حدوث دلالت دارند؛ یعنی این امر سابقه نداشته و بعدها حاصل شده است؛ اما در پایان این مقطع از جملات اسمیه بهره گرفته‌اند «إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَى، وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى» که بر ثبوت دلالت دارند. امام علی (ع) با این سبک می‌خواهند بگویند زیبایی‌های دنیا و مال و اموال آن و ... حادث بوده؛ اما پست بودن دنیا نزد ایشان همیشگی است.

• **استفهام:** اسلوب استفهام یکی از ترکیب‌های نحوی است که برای پرسش درباره کشف حقیقت صورت می‌پذیرد. دایره سبک ادبی استفهام نیز در غیر معنای حقیقی خود ممکن است حاوی نکات خاصی از قبیل تعجب، انکار، اثبات، ترس و ... باشد. ادیبان بنا به تناسب معنای مورد نظرشان از آن بهره می‌گیرند. امام علی (ع) در چندین بخش از این خطبه به اسلوب استفهام روی آورده‌اند که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسِي يَسْرِعُ إِلَى الْبَلِيِّ قَوْلُهَا، وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟!

که در این عبارت استفهام در معنای انکار استعمال شده است.



يا عَقِيلُ، اَتَيْتُ مِنْ حَدِيدَةٍ اَحْمَاها اِنْسَانُها لِلعَيْبِ، وَ تَجَرُّنِي اِلَى نارٍ سَجَرُها جَبَّارُها لِغَضَبِها! اَتَيْتُ مِنْ
الْاَذَى وَ لا اَتِي مِنْ لَطْفِ؟!

که استفهام در معنای ترس به کار گرفته شده است.

• **فعل مضارع:** کاربرد فعل مضارع در این خطبه بدون دلیل نیست؛ زیرا تجدید و استمرار را افاده می‌کند؛ بنابراین کاربرد افعال مضارع در این خطبه برای بازآفرینی تصاویر و صحنه‌ها است تا آن‌ها را به اذهان خوانندگان نزدیک کنند و آن تصاویر جلوی چشمان مخاطب مجسم شود.

• **زیبایی جملات و ترکیبات:** امام علی (ع) در جای‌جای این خطبه، از ریتم بین کلمات و عبارات متناسب و هماهنگ بهره برده‌اند. واژگان و تراکیب به کاررفته در خطبه چنان فصیح و بلیغ است که با ایجاد نوعی موسیقی لفظی اندیشه و افکار خوانندگان را به سوی خود می‌کشاند. گفتنی است از بین صنایع لفظی به کارگیری مناسب صنعت سجع، این موسیقی لفظی را دو برابر کرده و بر جنبه موزون کردن و زیبایی عبارات افزوده است. همچنین توجه به تناسب طول جملات در زیبایی عبارات تأثیر قابل توجهی دارند.

واضح و مبرهن است که تمامی موارد فوق نشان‌دهنده تناسب اسلوب، با معناست؛ همچنین نوع انتخاب واژگان و ترکیب‌ها نیز به گونه‌ای گزینش شده‌اند که نشان از تناسب اسلوب با حالات عاطفی دارند که در بخش بررسی عنصر عاطفه در این خطبه تحلیل قرار شده است.

۳. نتیجه‌گیری

در صفحات پیشین جلوه‌های عناصر ادبی در خطبه مذکور تحلیل و بررسی شد که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است.

- در این خطبه به دلیل وجود عناصری همچون عاطفه، تصویر، اسلوب متین و منسجم و ... با تعابیر خشک و بی‌روح مواجه نیستیم. همچنین ابهام حاصل از معنا، بر اثر کاربرد آرایه‌های ادبی با هدف زیبایی‌شناسی‌ای که با درک بهتر معنا توأم باشد



ایراد گردیده نه به قصد تعقید و سردرگم کردن خوانندگان؛ از این رو این عامل نیز معنا را عمیق می‌کند.

- افزون بر این، فاکتورهایی چون صدق عاطفه، تصویرپردازی، ریتم کلام، برخوردارگی از اسلوبی زیبا و دلکش و ... به این منجر شده‌اند امام علی (ع) خواننده را وارد فضا و جو عاطفی خود کند که این عامل نشان از قدرت و پویایی عاطفه است.

با توجه به انعکاس موقعیت‌ها و شخصیت‌های گوناگون «به طبع حذف‌شده» شاهد تنوع عاطفه در این خطبه هستیم. همچنین از آنجایی که خطبه فوق دربرگیرنده مسائل عقیدتی، اخلاقی و ... و مشتمل بر مفاهیمی است که با زندگی و امور حیاتی همه انسان‌ها سروکار دارد، به مراتب ثبات و استمرار عاطفه در این خطبه مشهود است.

- بهره‌گیری امام علی (ع) از اعمال انسانی در خلق تصاویر ادبی و ظرافت ایشان را آفرینش تصاویر، نقش اساسی در تولید تصاویر متحرک و پویا دارند. بسامد وسیع منابع انسانی نیز یکی از منابع تصویرسازی است که در مقایسه با سایر منابع هماهنگی تصاویر مربوط به معنا را نشان می‌دهد.

- از نظر واژگانی شاهد کاربرد واژگان فصیح و سازگاری آن‌ها با آوا، ساختار جمله و معنای مدنظر هستیم.

- امام علی (ع) از نظر نحوی و ساختار جمله، جملات فعلیه را برای بیان موضوع حادث و مقطعی، و جملات اسمیه را برای بیان موضوعات ثبوتی استفاده کرده‌اند که این نکته از تناسب لفظ و معنا ناشی شده است.

- کاربرد وسیع جملات فعلیه در مقایسه با جملات اسمیه، نقش بسزایی در تحرک بخشی به متن خطبه بخشیده است.

- کاربرد وسیع تشخیص در مقایسه با تجسیم در خطبه از یک سو و حجم بالای جملات فعلیه نسبت به جملات اسمیه از سوی دیگر افزون بر تحرک و پویایی در متن خطبه نشان از تناسب تصویر با اسلوب است.

منابع

- نهج البلاغه

- ابوحاقه، احمد (۱۹۹۶)، البلاغة و التحليل الادبی، بیروت: دارالعلم للملایین.



- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، **حقیقت و زیبایی**، تهران: نشر مرکز.
- امین، احمد (۱۹۸۷)، **النقد الأدبی**، بیروت: دار الکتب العربیة.
- البطل، علی (۱۹۸۳)، **الصورة الفنية في شعر العربي حتى آخر القرن الثاني الهجري**، چاپ سوم، بیروت: دارالأندلس.
- پرین، لارنس (۱۳۷۳)، **درباره شعر**، ترجمه فاطمه راکعی، تهران: اطلاعات.
- التونجی، محمد (۱۹۹۳)، **المعجم المفصل في الأدب**، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الجززی، ابن الأثیر (۱۳۱۲)، **المثل السائر**، مصر: المطبعة البهیة.
- الخفاجی، عبدالمنعم (۱۹۹۵)، **مدارس النقد الأدبی**، بیروت: دارالعصریة اللبنانیة.
- الرباعی، عبدالقاهر (۱۹۷۴)، **الصورة الفنية في شعر ابي تمام**، إربد: جامعة اليرموك.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۷۰)، **موسیقی شعر**، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- صابری، علی (۱۳۸۵)، **النقد الادبی و تطوره في الادب العربي**، چاپ ششم، مصر: دارالمشرق.
- عتیق، عبدالعزیز (۱۷۲۳)، **في النقد الأدبی**، چاپ اول، بیروت لبنان: دار النهضة العربیة.
- غریب، رز (۱۳۷۸)، **نقد بر مبنای زیبایی شناسی**، ترجمه نجمه رجایی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- فلکی، محمود (۱۳۸۰)، **نگاهی به شعر شاملو**، چاپ اول، تهران: مروارید.
- المقدسی، انیس (۱۹۸۱)، **المختارات السائرة من روائع العربي**، چاپ پنجم، بیروت: دار العلم المالین.
- مفتاح، محمد (۱۹۹۲)، **في سيماء الشعر القديم: دراسة نظرية و تطبيقية**، الدار البيضاء-بیروت: المركز الثقافی العربی.
- هاشمی، سید احمد (۱۳۷۰)، **جواهر البلاغة**، قم: مکتب الاعلامی.

